



آتش بسی که هرگز روی نداد: خیانت به روژاوا

نویسنده: ایوو فیتزهربرت

ترجمه ی آرش گنجی

از نهم اکتبر ترکیه دست به کار تهاجم وسیع به مدیریت خودمختار شمال و شرق سوریه به رهبری کوردهاست، تهاجمی که آینده ی انقلاب روژاوا را تهدید می کند.

پس از گذشت ۱۰ روز از نبرد بی امان میان نیروهای سوریه ی دمکراتیک (SDF) به رهبری کوردها و ارتش ترکیه، آوارگی توده ای شهروندان کورد و گزارشات اعدام های کنار جاده ای از سوی نمایان تحت حمایت ترکیه، حالا دولت ترامپ وارد مذاکره درباره ی آتش بسی شده که هیچ چیز دیگری ندارد مگر تسلیم تمام قد به خواست های آنکارا.

آتش بس موقت که مورد توافق مایک پنس، معاون رئیس جمهور ایالات متحده، و دولت رئیس جمهور اردوغان بود خبر از یک وقفه در جنگ می داد تا نیروهای سوریه ی دمکراتیک (SDF) از منطقه ی امن ۳۲ کیلومتری مرز جنوبی ترکیه عقب نشینی کند. به مجرد آن که عقب نشینی در یک بازه ی ۱۲۰ ساعته انجام شد آنکارا از قرار باید یک آتش بس دائمی اعلام کند.

مظلوم کوبانی، فرمانده ی SDF، اعلام کرد که آتش بس را می پذیرد اما چیزی از عقب نشینی احتمالی و اجرای «منطقه ی امن» نگفت.

بر خلاف دولت ترکیه که خواهان منطقه ی امن در سراسر مرز ۴۴۴ کیلومتری است، کوبانی آتش بس را فقط میان تل عبیاد و سرکانیه اعلام کرده و اجازه ی هیچ گونه تغییر جمعیت شناختی را در منطقه نمی دهد. باید دید آیا SDF با عقب نشینی کامل از منطقه موافقت خواهد کرد یا خیر.

با توجه به این که اجرای این آتش بس هنوز در پرده ی ابهام قرار دارد، شرایطی که برای آتش بس اعلام شده حاکی از تسلیم کامل به آنکاراست، و دستگاه ترامپ هم از گرفتن تنها یک امتیاز از ترکیه ناکام ماند. یکی از مقامات ترکیه اخیراً گفت: «هر چه می خواستیم گرفتیم... راحت ترین مذاکره ای بود که تا به حال داشتیم.»

با توجه به این که در وهله ی نخست این ترامپ بود که چراغ سبز را برای عملیات ترکیه نشان داد آن هم با عقب کشیدن ناگهانی نیروهای ایالات متحده از منطقه ی مرزی، این اعلام آتش بس را باید تأییدی بر انگیزه ی رئیس جمهور ایالات متحده برای روانسازی نابودی انقلاب روزاوا تلقی کرد.

از این گذشته، گرچه آتش بس حاکی از یک توقف فوری در تهاجم نظامی ترکیه است، ترکیه همچنان شهر مرزی محاصره شده ی سرکانیه را از هوا و توپخانه های خود بمباران می کند. مرکز شهر تحت کنترل نیروهای کوردی است که مقاومتی جانانه طی ده روز گذشته از خود نشان داده اند.

بمباران تا جمعه ادامه داشت و یک گزارش هم حاکی از آن بود که حملات هوایی ترکیه بیش از پنج غیرنظامی را در نزدیکی شهر به قتل رسانده و این در حالی بود که یک کاروان پزشکی که در آستانه ی رسیدن به شهر برای تخلیه ی غیرنظامیان مجروح بود نیز هدف قرار گرفت.

پیش از اعلام آتش بس، کوردها در تلاش برای دفع حملات ترکیه وارد مذاکره با رژیم اسد شدند. چنین معامله ای شاید به اخذ امتیازات عمده ای از انقلاب روزاوا بیانجامد اما SDF چنین استدلال کرد که این هزینه با توجه به این که تهاجم ترکیه زندگی و معاش کوردها و سایر اقلیت های شمال شرق سوریه را هدف گرفته ضرورت دارد.

در حالی که چنین معامله ای به اعزام نیروهای رژیم (ارتش عرب سوریه یا SAA) به مناطقی مانند منبج و کوبانی می انجامد، و به این وسیله مانع حمله ی ترکیه به این شهر مهم و نمادین کورد می شود، تا این تاریخ چنین توافقی نتوانسته مانع از بمباران در شهرهای مرزی مانند سرکانیه شود.

به رغم معامله ی SDF با اسد و توافقات «آتش بس» آشکار، هجوم ترکیه به روژاوا متوقف نشده است. تغییر ناگهانی در وفاداری روژاوا از ایالات متحده به رژیم سوریه نمایانگر تغییری جدی در دینامیک ژئوپولیتیکی منطقه خواهد بود.

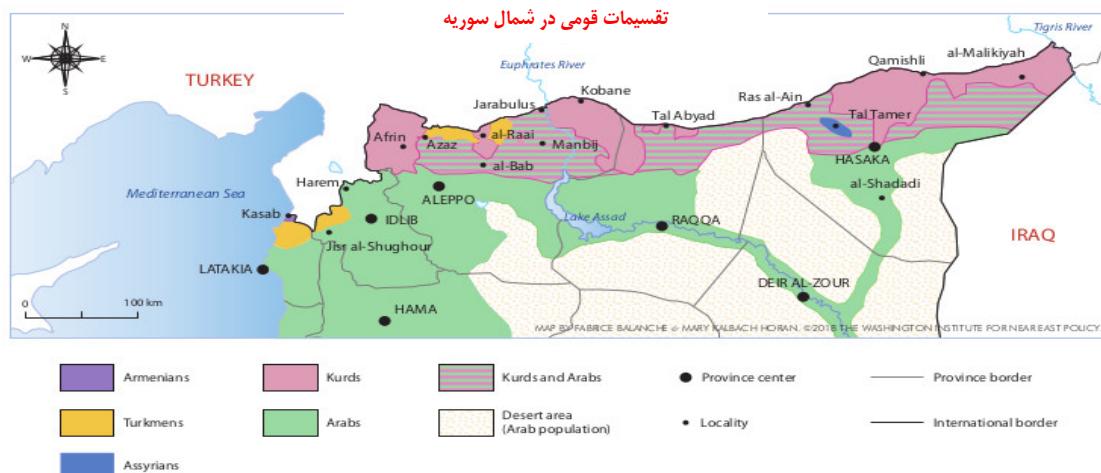
در حالی که تهدید ترکیه باقی می ماند، باید نسبت به تهدید یک خیانت مطلق به کوردها از سوی ائتلافی از بازیگران دولتی هوشیار باشیم. در هفته های آینده احتمالاً سرنوشت روژاوا تعیین خواهد شد.

تهدید پاکسازی قومی

تصمیم ترامپ به دادن تمام امتیازات عمده ی آنکارا در توافق آتش بس را نباید چیزی جدید دانست. دسامبر گذشته، ترامپ تصمیم گرفت سربازان خود را بیرون بکشد و فقط با فشار از ناحیه ی دولت خودش بود که این تصمیم را برگرداند.

ایالات متحده پیش از عقب کشی اخیر نیروهایش، دست اندر کار یک «مکانیسم امنیتی» بود که طی آن SDF باید پایگاه های خود را در مرز در تلاش برای کاهش نگرانی های ترکیه نابود می کرد. نیروهای سوریه ی دمکراتیک به شرطی با این وعده موافقت کرده بود که ایالات متحده متعهد به دفاع از SDF در برابر تهاجم ترکیه شود.

نیروهای سوریه ی دمکراتیک می دانست که ترامپ شریک مطمئنی در برابر تهدیدات ترکیه نیست و با پیش بینی تهاجم قریب الوقوع ترکیه، در تمام سال گذشته در تدارک شبکه ای از کوریدورها و زیرساختهای دفاعی بود. اما ایالات متحده با خلف وعده در این شرایط به چنان خائنی تبدیل شد که کمتر کسی انتظارش را داشت.



منبع: *The Washington Institute*

تهاجم ترکیه به روژاوا و «منطقه ی امن» مقرر پیامدهای شومی برای منطقه در بر خواهد داشت. نه تنها به تجربه ی سیاسی رادیکالی پایان می دهد که از سال ۲۰۱۲ در روژاوا در جریان بوده بلکه بی تردید به احیای داعش منجر خواهد شد. ترکیه ید طولایی در چشم پوشی از داعش داشته و همواره تلاش کرده خودمختاری کوردها را تهدیدی بزرگتر از به اصطلاح دولت اسلامی بداند. گزارش های متعدد از فروپاشی زندان های محل نگهداری داعشی ها پس از حملات هوایی ترکیه، خود به ما می گوید ادامه ی اسارت زندانیان داعش برای ترکیه چه اندازه اولویت ناچیزی دارد.

گذشته از احیای داعش، تجربه ی عفرین نیز گواه روشن تری از تهدید تهاجم ترکیه به دست می دهد. از زمانی که دار و دسته های اسلامگرا ردپای ایدئولوژیک خود را بر جای گذاشتند حاکمیت دمکراتیک رادیکال دستگاه اجرایی روژاوا در آن کانتون نابود شده، و حال آن که آوارگی گسترده ی کوردها همچنان جمعیت شناسی آن چه زمانی منطقه ای با اکثریت کورد شناخته می شد را دگرگون می سازد.

پس از آن که ترکیه بعد از یک نبرد سبعانه ی دوماهه با کوردها در سال ۲۰۱۸ کنترل عفرین را به دست گرفت، تحقیقات نشان می دهند چگونه مزدوران تحت حمایت ترکیه در جنایات جنگی از قبیل چپاول، اخاذی، تجاوز و غصب گسترده ی املاک و دارایی ها دست داشته اند. در حالی که این گروه های شورشی سوریه بودند که ابتدا دست به بی رحمی زدند، عفو بین الملل گزارش داد چگونه نیروهای ترکیه چشمان خود را به روی دنباله ای از قساوت ها علیه حقوق بشر می بستند.

وحشتی که از پس حمله به عفرین همه را فراگرفت تلاش برای تغییر جمعیت شناختی منطقه ای عمدتاً کوردنشین بود. طبق گزارشی که از مرکز اطلاعات روژاوا منتشر شد، نزدیک به نیمی از سیصد هزار ساکن قبلی عفرین به زور جا به جا

شدند، و هزاران عرب از سایر بخش های سوریه وارد عفرین شدند. در شامگاه تهاجم ترکیه به عفرین، اردوغان شخصاً ادعا کرد که عفرین یک شهر عمدتاً عرب نشین است.

ترکیه در حال حاضر فعالیت پروکوردی در ترکیه را از طریق بازداشت های توده ای فعالان کورد و اقدامات تمامیت خواهانه فلج کرده است اما آنکارا نیز خوب می داند که هرگونه خودمختاری کوردها در مرز جنوبی اش همیشه مطالبات خودمختاری دمکراتیک را در کشور خود تقویت خواهد کرد.

درست است که ترکیه با قیافه های بشردوستانه در پی انتقال بیش از دو میلیون عرب پناهنده ی سوریه به «منطقه ی امن» موعود است، تاریخ بلندبالایی از پاکسازی قومی برای اعمال کنترل روی نواحی کوردنشین در جنوب شرق این کشور دارد. هدف واقعی ترکیه، پاکسازی قومی منطقه ی مرزی است تا مانع شکل گیری هرگونه خودمختاری کوردها شود.

در حالی که ناحیه ی پیرامون تل عبیاد اکثریتی عرب دارد، عمده ی «منطقه ی امن» شامل ناحیه هایی با اکثریت های قابل توجه کورد است.

سرکانیه، یک کوبانی جدید

از زمان آغاز تهاجم در ۹ اکتبر دولت ترکیه ترجیح داده وارد درگیری مستقیم نشود و در عوض ارتش ملی سوریه را در خط مقدم پشتیبانی کند در حالی که خود به بمباران مواضع SDF بپردازد.

با این حال، حملات هوایی ترکیه و آتش های توپخانه ای آن منجر به دنباله ای از تلفات غیرنظامیان شده است. یک حمله ی هوایی در تاریخ ۱۳ اکتبر هنگامی که کاروانی اعتراضی عازم سفر به سرکانیه برای نشان دادن اعتراض به تهاجم نظامی ترکیه بود ۱۲ نفر را هدف گرفت. عفو بین الملل اعلام کرد حملات هوایی، که ۱۰۰ معترض را در فاصله ی کوتاهی پس از رسیدن به شهر هدف گرفت، یکی از نمونه های «بی اعتنائی به غایت بی رحمانه به جان غیرنظامیان» از سوی نیروهای ترکیه بود.

مقامات کورد اعلام کرده اند ۲۱۸ شهروند، از جمله ۱۸ کودک، کشته شده اند در حالی که ۶۵۰ نفر دیگر فقط در هشت روز اول جنگ به شدت مجروح شدند، و این ها در نتیجه ی بمباران های ترکیه بوده.

عملیات با حمله از دو جانب به شهرهای تل عبیاد و سرکانیه از ناحیه ی مرز ترکیه آغاز شد. هر دو شهر درست در مرز قرار دارند و به دلیل دینامیک محلی پیچیده و ترکیب جمعیتی عرب-کوردشان، انتظار می رفت نقطه ی شروع حمله قرار گیرند.

به رغم آن که سرکانیه در محاصره ی نیروهای تحت حمایت ترکیه است کنترل آن در دست SDF باقی مانده و حال آن که حملات هوایی هم با اهداف نظامی و هم غیرنظامی بی وقفه ادامه دارد. این شهر دارای جمعیت ترکیبی عرب و کورد است و از آن جا که نواحی شرق نشین شهر عمدتاً کورد هستند، اهمیت استراتژیک می یابد. در نتیجه، سرکانیه دروازه ی ورود به قلب سرزمین کوردهاست.

از آن جا که کاروان غیرنظامیان در پی شکست محاصره و گشودن کوریدور بشردوستانه به روی نظامیان و غیرنظامیان محبوس بود، شهر به سرعت به نمادی از مقاومت کوردها در برابر تمام دشواری ها تبدیل شد، چیزی نظیر کوبانی در سال ۲۰۱۴.

مخالفت اعراب محلی

تل عبیاد، شهری که درست میان سرکانیه و کوبانی قرار دارد پس از چهار روز مقاومت به دست نیروهای ترکیه افتاد. این شهر و مناطق حومه ی آن با - اکثریت عرب در حدود ۷۰ درصد - همیشه یک دردسر برای نیروهای کورد بوده. ترکیه امید دارد برنامه های منطقه ی امن - که عربیزه کردن سراسری نواحی مرزی را در بر دارد - از سوی قبیله های محلی اعراب در تل عبیاد که از حکومت کوردها انزجار دارند مورد استقبال فراوان قرار گیرد.

بسیاری از قبایل قدرتمند عرب در این ناحیه مخالف حکومت کوردها بوده اند. هنگامی که ی.پ.گ همان اوایل در سال ۲۰۱۳ برای چند روز وارد تل عبیاد شد، قبایل عرب در منطقه دست به دامان النصره شدند تا نیروهای کورد را از شهر بیرون کنند. یکی از قدرتمندترین قبایل در این منطقه قبیله ی جیس است که از نظر تاریخی پیوندهای نزدیکی با ترکیه دارد و اغلب در همسایگی کوبانی با کوردها درگیر می شود.

چنین تنفیری نسبت به SDF از سوی قبایل محلی عرب، این ناحیه را به سهل الوردترین نقطه برای نیروهای تحت حمایت ترکیه تبدیل می کند. پروپاگاندای ترکیه بر این مبنای غلط قرار دارد که ی.پ.گ و SDF در میان جمعیت محلی به شدت نامقبول است، اما بر خلاف سایر مناطق روژاوا، تل عبیاد تنها منطقه ای است که این ادعا در آن صحیح است.

اهمیت دیگر تل عبیاد مجاورت آن با کوبانی و بزرگراه استراتژیک M4 است. این بزرگراه شاهراه حیاتی منطقه است که قامیشلو را در شرق به کوبانی و منبج در غرب متصل می کند و کوردها نیروهای خود را به راحتی از آن طریق اعزام می کنند. تصاحب تل عبیاد از سوی ترکیه، جاده ی مستقیمی در اختیارشان می گذارد تا به بزرگراه که جنوبی تر است دسترسی پیدا کنند، و این حتا می تواند کوبانی را از سرزمین های تحت کنترل کوردها در شرق جدا کند.

نیروهای سوریه ی دمکراتیک به طور مؤثری کنترل بخش های عمده ی بزرگراه را به دست گرفتند و به این وسیله کوبانی را بار دیگر به باقی روزاوا متصل کردند. اما نیروهای ترکیه نیز مشخصاً این منطقه را هدف گرفته اند تا کوبانی را ایزوله کنند.

معامله ای که یکشنبه ی گذشته با اسد صورت گرفت و اعزام بعدی نیروهای رژیم، تهدید حمله ی ترکیه از جبهه ی غربی را کاهش داده. به رغم شایعه هایی دایر بر این که نیروهای ایالات متحده مانع ورود سربازان رژیم به کوبانی شده اند، نیروهای ارتش عرب سوریه هم اکنون هم به کوبانی و هم به منبیج گسیل شده اند.

در منبیج این امر منجر به گشت زنی های مشترک روسیه و ارتش عرب سوریه در مرز شمالی شهر شده و به این وسیله از حمله ی نیروی های سوری تحت حمایت ترکیه جلوگیری به عمل آمده. به طریق اولاً، پس از رسیدن سربازان رژیم، ترس از حمله ی قریب الوقوع به کوبانی در چند روز گذشته از بین رفته.

رژیم همچنین سربازان خود را در کنار SDF در بزرگراه استراتژیک M4 در شهرهای حیاتی مانند عین عیسا و تل تمر مستقر کرده است. تلاش هایی هم صورت گرفته تا بزرگراه در این ناحیه در پایین سرکانیه و تل عبیاد بازپس گرفته شود، اما تا این تاریخ، مشارکت نیروهای سوریه ی دمکراتیک-ارتش عرب سوریه توانسته بزرگراه استراتژیک را حفظ کند.

به این سان، به رغم ابهام در خصوص این که پیشنهاد آتش بس منجر به اجرای «منطقه ی امن» ترکیه خواهد شد یا خیر، SDF و نیروهای کورد، از طریق همکاری با رژیم، به طور موفقیت آمیزی جاه طلبی های ترکیه را کاهش داده اند. نظر به این که آنکارا خواب قبضه کردن کنترل بر کل مرز از کوبانی تا عراق را می بیند، ناحیه ای که در حال حاضر تحت کنترل نیروهای ترکیه است به منطقه ای میان تل عبیاد و سرکانیه کاهش یافته.

بر خلاف اظهاراتی که در عرصه ی عموم در خصوص همکاری نظامی نیروهای سوریه ی دمکراتیک-ارتش عرب سوریه می شود دائر بر بیرون راندن نیروهای ترکیه از تل عبیاد و سرکانیه، SDF تا این لحظه بدون حمایت رژیم از سرکانیه دفاع کرده است. ابعادی که نیروهای اسد مایل به درگیری در تقابل های مستقیم با نیروهای تحت حمایت ترکیه در سرکانیه و تل عبیاد هستند را باید در روزهای آتی دید. اگر یک منطقه ی امن اجرا شود، این احتمال وجود دارد که منطقه ی مزبور به حد فاصل سرکانیه و تل عبیاد محدود شود.

مزدوران، اسلامگراها و اپورتونیست ها

در حالی که ترکیه به مباران بی تمیز از آسمان متوسل شده، جنگجویان سوری تحت حمایت ترکیه که همین تازگی زیر پرچم ارتش آزاد سوریه بازسازماندهی شدند دست به قساوت های متعدد زده اند.

این روزها پس از شروع عملیات، جنگجویان احرار الشریقه ی اسلامگرا – گروهی که سابق در خدمت جبهه ی النصره در شرق سوریه بود – مرتکب دنباله ای از اعدام های سریع شده اند. ویدیوهای پخش شده در رسانه های اجتماعی که به تأیید ملل متحد هم رسیده اعدام سه اسیر کورد را در بزرگراه M4 نشان می دهد.

در همان روز، هروین خلف، سیاستمدار کورد و شخصیت برجسته ی حزب سوریه ی فردا نیز در همان بزرگراه به قتل رسید. طبق گزارشات دیده بان حقوق بشر سوریه، این خانم از ماشین اش به بیرون کشیده و با خونسردی تمام به سرش شلیک شد. ویدیویی که منتشر شده یک جنگجوی احرار الشریقه را نشان می دهد که دارد روی بدن زن اعدام شده علامت می گذارد. کالبدشکافی او نشان می دهد که هدف شلیک قرار گرفته، با اجسامی سنگین مورد اصابت قرار گرفته و موهایش تا حدی که پوست سرش کنده شود کشیده شده.

علاوه بر این، گزارش منتشره از سوی *فارین پالیسی* به نظر این اتهامات را به تأیید می رساند که مزدوران تحت حمایت ترکیه از تسلیحات شیمیایی علیه غیرنظامیان در سرکانیه استفاده کرده اند. کودکان با سوختگی های شیمیایی تمام بدن خود که نشان از فسفور سفید است در بیمارستانی در آن منطقه بستری شده اند و یک مقام آمریکایی نیز بر این ادعاها صحه گذاشته.

عمده ی جنگجویان سوری جنگجویانی هستند که خود را وارثان قیام علیه بشار اسد می دانند، در حالی که شمار قابل توجهی از گروه های اسلامی افراطی مانند احرار الشریقه و جیش الاسلام در میدان حاضرند و گروه های متعددی دیگری که از اعراب و ترکمن ها هستند و از منطقه ی شمال شرقی سوریه می آیند.

از سال ۲۰۱۶ این گروه ها توسط خود ترکیه ساخته شده اند و بر خلاف این ادعا که وارثان انقلاب سوریه هستند تمایلی به درگیری با نیروهای رژیم ندارند. به عکس، شبیه نیروهای مزدوری هستند که بیشتر با وعده های مالی ترغیب می شوند تا یک ایدئولوژی مشخص. الیزابت تسورکف، متخصصی که با بسیاری از این جنگجویان مصاحبه کرده در این مورد می گوید «مشکل اصلی این نیروها جنایتکاری آنهاست.» و توضیح می دهد «نفرت از کوردها، احساس شووینیسیم عربی، هیچ گونه عدم مدارا در خصوص اختلافات عقیدتی و فقط هوس سود، این ها چیزهایی است که نیروی محرکه ی عمده ی این خشونت هاست.»

با توجه به بسیاری از قساوت های صورت گرفته از سوی ارتش ملی سوریه تحت حمایت ترکیه – از اعدام های فوری کنار جاده ای گرفته تا استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه غیرنظامیان کورد – انتظار می رفت هرگونه توافق آتش بس مورد مذاکره ی دستگاه ترامپ، دست کم، مانع از ادامه ی حضور چنین نیروهایی شود.

اما جمله بندی های توافق تا آن جا پیش می رود که اعلام می کند منطقه ی امن «مقدمتاً» از سوی ارتش ترکیه به اجرا درمی آید – که یعنی نایبان ترکیه همچنان گسیخته افسار به جنایات جنگی خود علیه کوردهای روزاوا ادامه خواهند داد.

سازشی دردناک

پیشروی ترکیه و خیانت ایالات متحده، مدیریت روژاوا را به جبهه ی اسد کشاند. قساوت ناب عمده ی این نیروهای مزدور و اهداف صریح ترکیه در پاکسازی قومی ناحیه ی مرزی به معنای آن است که مردم روژاوا راهی جز مقاومت ندارند.

ترکیه ادعا می کند این جنگی است علیه «عناصر تروریست» و در نتیجه با این توجیه سر از پا نمی شناسد که هر چه کثیف تر بجنگد. درست مثل عفرین، به جای تحمل تلفات بر ارتش خودی و به این ترتیب افزایش فشار داخلی به اردوغان، آنکارا تصمیم گرفت نیروهای مزدور خود را برای ترور جمعیت محلی کوردها به کار گیرد.

با این نوع خطر هستی شناختی علیه روژاوا، واگذاری کنترل به ترکیه و نیروهای مزدورش غیرقابل تصور بوده و هست و خواهد بود. در این وضعیت، رسیدن به توافق با رژیم اسد به نظر آن «انتخاب کمتر بد» است. در حالی که هنوز جزئیات دقیقتر توافق درز نکرده، این امید وجود دارد که کوردها در آینده همچنان تا درجاتی سرنوشت خود را در دست خواهند داشت.

برخی گزارش ها می گویند کوردها حقوق تمام و کمال خود را به همراه برخی اشکال خودمختاری در قانون اساسی جدید سوریه تضمین کرده اند، و این در ازای ادغام نیروهای کورد در سپاه ارتش سوریه تحت قیمومیت روسیه است.

گزارش های دیگر معامله با رژیم را چونان پایان خودمختاری دستگاه مدیریتی روژاوا به تصویر می کشند، گرچه SDF فوراً خاطرنشان کرد این توافق منحصراً در خصوص مسایل نظامی است.

طبق بیانیه ای که یکشنبه شب گذشته منتشر شد، این معامله انجام گرفت تا مانع از حملات ترکیه شود و حسب آن ارتش سوریه باید در تمام مرز سوریه-ترکیه مستقر شود. چنان که پیشتر ذکر شد، در حالی که منطقه ی میان تل عبیاد و سرکانیه هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد، اعزام نیروهای رژیم به نظر به طور موفقیت آمیزی دامنه ی تهاجم ترکیه به این منطقه را کاهش داده.

با این حال، به رغم ادعاهای SDF، اجازه دادن به نیروهای رژیم برای استقرار در سرتاسر روژاوا بی تردید به برخی مصالحه های ناخوشایند برای خودمدیریتی روژاوا خواهد انجامید. در مقاله ای از فارین پالیسی، مظلوم کوبانی فرمانده ی SDF این واقعیت را تأیید کرد «می دانیم که سازش های دردناکی با مسکو و بشار اسد در انتظار ماست اگر بخواهیم وارد همکاری با آنها شویم» اما تأکید کرد که برای جلوگیری از نسل کشی کوردها به واسطه ی تهاجم ترکیه باید دست به چنین سازش هایی زد.

اولویت روزاوا ادامه ی مشارکت با ایالات متحده بود تا مبادا لازم شود به این قبیل سازش های دردناک تن بدهد، اما خیانت ترامپ مدیریت خودمختار را دست و دهان بسته گذاشت.

بهره برداری از تنش های قومی

آینده ی SDF بیش از هر وقت دیگری نامعلوم است. آنها اغلب خود را هم پیمانهای کورد در رسانه های غربی معرفی می کردند اما SDF یک نیروی چندقومی مشتمل بر عربها، مسیحیان، ایزدی ها و ترکمن ها در صفوف خود در کنار کوردها در نظر گرفته می شود.

نیروهای سوریه ی دمکراتیک در ادامه ی.پ.گ/ای.پ.ژ پدید آمد اما هنگامی که نبرد علیه داعش به رهایی مناطق عرب نشینی مانند رقه و دیرالزور انجامید، SDF موفق شد شمار بیشتری از عرب ها را به جبهه ی خود بکشاند. بر اساس تحقیقی که در این زمینه شده، عرب ها بیش از ۵۰ درصد تمام ترکیب قومی این گروه را تشکیل می دهند.

تا اندازه ای به دلیل همکاری درک شده میان اسد و کوردهای سوریه، مشارکت عرب ها و نیروهای وسیع ارتش آزاد سوریه در SDF کمتر از آن چه هست گزارش می شود. برای مثال، در حین دفاع از تل عبیاد پیش از قبضه شدن آن توسط نیروهای تحت حمایت ترکیه در هفته ی گذشته، گروه هایی که مقدماً درگیر مقاومت در برابر نیروهای ترکیه بودند گروه های معروفی از ارتش آزاد سوریه بودند مانند لواء التحریر (تیپ آزادی بخش) و لواء ثوار الرقه (تیپ انقلابیون رقه).

به طور حتم طی این سالها تنش هایی با ی.پ.گ وجود داشته اما حضور چنین گروه هایی بر همکاری هایی تأکید می کند که طی آن ها گروه های عرب اپوزیسیون فعالانه در کنار نیروهای کورد جنگیدند. با این وصف، حالا که معامله با رژیم صورت گرفته این احتمال وجود دارد که اسد در جهت قطع چنین همکاری هایی تلاش کند و عناصر معروف ارتش آزاد سوریه را کنار بزند.

رزمگاه دیگری که این دینامیک در آن در حال شکلگیری است منبج است. در حالی که رژیم و نیروهای سوریه با استقرار در خط مقدم شمال شهر مانع از آغاز تهاجم گروه های شورشی تحت حمایت ترکیه شدند، گزارشات حاکی از آن است که ساکنان شهر و شورای نظامی منبج از حضور ارتش عرب سوریه دل خوشی ندارند. شورای نظامی منبج، که کنترل شهر را به دست دارد و هم پیمان SDF است، خاستگاه اش گردان های ارتش آزاد سوریه است که در روزهای اول انقلاب علیه رژیم اسلحه دست گرفتند.

هم پیمانی با اسد به طور حتم عواقب بدیمنی دارد. گذشته از میلیشیاهایی که ریشه در قیام ضد اقتدارگرایانه علیه اسد داشتند، هزاران غیرنظامی که هم اکنون در روزاوا به سر می برند تحت تعقیب رژیم اسد هستند.

شایعاتی درباره ی اعتراض ها علیه تصمیم SDF برای همکاری با اسد در استان های دیر الزور و رقه به گوش رسید. ترس از شروع انشعاب گرایی است زیرا تهاجم ترکیه اولویت های مختلف گروه های قومی گوناگون در منطقه را برملا کرده است. با توجه به این که ترکیه طی عملیات خود یک بی اعتنایی مطلق نسبت به جان کوردها نشان داده، واقعیت برای کوردها از این قرار است که برای جلوگیری از یک کشتار جمعی، هم پیمانی با اسد یک ضرورت بود.

با این وجود، یک گسست باقی می ماند آن هم آن جا که بسیاری از عرب ها در منطقه ممکن است اشغال ترکیه را بر اعطای کنترل به رژیم ترجیح دهند.

مدیریت روزاوا از طریق استقرار SDF و ارائه ی یک خط مشی سیاسی برای اقلیت ها، در کاهش تنش های قومی به طور قابل توجهی از خود استادی نشان داده. اسد، مانند ترکیه، احتمالاً یک دستور کار تفرقه افکن برای تضعیف این همکاری ها پیش خواهد برد. اما مآلاً، تصمیم ترامپ برای پذیرش تمام خواست های آنکارا، چاره ی زیادی برای مدیریت روزاوا باقی نگذاشته. همکاری با رژیم اسد، تنها راه باقی مانده است.

پایان

نکته ی مترجم: در زمانی که این مقاله به زبان فارسی منتشر می شود، سرکانیه پس از ۱۲ روز مقاومت ایثارگرایانه سقوط کرده و هم اکنون در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۸ به ساعات پایانی به اصطلاح آتش بس نزدیک می شویم.